

متن پرسش

سلام: دغدغه زندگی بعد از مرگ در حد «لزوم عقلی دفع ضرر محتمل» چه هدفی به من باید بدهد در زندگی ام و چه جور زندگی؟ آیا باید تمام واجبات و تمام محرمات را رعایت کنم؟ مثلا در اعتقادات تا چه اندازه. در اخلاق آیا باید همه صفات رذیله را ترک کنم و تمام فضایل را دارا باشم؟ (مثلا آیت الله مظاهری اولاً مبحث تهذیب نفس را اوجب واجب می دانند و حدود ۴۰ رذیله و ۴۰ فضیلت را بیان نمودند). در احکام متناسب با شرایط زمان و مکان همه ی آن چه که در رساله نوشته شده. یا مثلا تمام آنچه که در کتاب گناهان کبیره (حدود ۷۰ مورد) هست. یا مثلا تمام آن چه که آیت الله مظاهری در رساله ی خود در قسمت مسائل اخلاقی نوشتند. متناسب با مقتضیات. آیا تقوایی که در قرآن هست منظورش همین است (با مراتبش) هدفم باید چی باشد؟ ببینید من تحصیلات حوزوی ندارم ولی یک کم مطالعه کردم و یک مقدار شنیدم ولی بحث انگیزه چیز دیگری است آنچه باعث می شود من یک آدم متوسط الحال و متعارف صبح از خواب بلند شوم و دو رکعت نماز بخوانم حداقل برای خوم اگر بخوام خودم را گول نزنم چیزی جز ترس از مواخذه و حساب و کتاب نیست (خوانده ام و شنیده ام کمال مطلق خواهی را، قرب به خدا را، کمال و سعادت و شدت یافتن وجودی را و بهشت و جوار رحمت الهی را و...) ولی نمی دانم شاید چون حد و اندازه ام این قدها نیست این حرف ها (حداقل فعلا) تکانم نمی دهد. حالا سوال بنده این است هدفم را چی قرار بدهم (از قرآن بلام مراتب طولی اهداف رحمت، عبودیت و آزمایش را)؟ تا به قد و قواره ی یک آدم متعارف بخورد و از آن طرف چه جوری رفتار کنم؟ آیا مثلا هدف «نجات» کافی است یا باید همراه با خواستن رفتن به بهشت (یا بهشتی شدن باشد) آیا مثلا فرضا اگر تمام اعمال را انجام بدهم ولی یکی از این ۴۰ صفت رذیله (مثلا تکبر، غرور، حب دنیا عجب، حسادت...) در من فعال باشم باز معذب هستم؟ یا مثلا اگر همه واجبات را انجام دادم ولی مثلا یک بار در عمرم دروغ گفتم و توبه نکردم باز باید عکس العمل فعلم را ببینم؟ آیا تا از تمام رذایل پاک نشویم می توانیم برویم بهشت یا بهشتی شویم یا شرط بهشت چیست؟ (قلب سلیم) تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در روایت از پیامبر خدا «صلوات الله علیه واله» داریم: «بُعِثْتُ عَلَى الشَّرِيعَةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ» من بر دینی آرام و نرم مبعوث شدم، نه دینی که در آن سخت گیری باشد. به همان معنایی که در جای دیگر می فرمایند: «لم يرسلني الله بالرهبانية ولكن بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ»

خداوند مرا برای دین رهبانی و گوشه‌نشینی و فرار از فعالیت‌های اجتماعی ارسال نکرده است، لکن مرا برای دینی که در آن سخت‌گیری نیست مبعوث کرده.